

جامعه ایرانی - اسلامی و اهل کتاب؛ مطالعه موردی مندائیان

بهادر قییم^۱

چکیده

مندائیان نامی است که بر گروه دینی صابئین به کار می‌رود. این گروه دینی که خود را از پیروان حضرت یحیی (ع) می‌دانند، امروزه به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی - دینی، بخشی از قشر بندی اجتماعی جامعه خوزستان را تشکیل می‌دهند. اهواز مرکز روحی صابئین مندائی است. پیشینه تاریخی حضور مندائیان در قلمرو جغرافیایی ایران به دوره نزدیک به تولد حضرت عیسی مسیح و شاید قبل از آن باز می‌گردد. از آن تاریخ تاکنون، سرزمین ایران به عنوان کانون استقرار این گروه دینی بعد از اورشلیم اهمیت زیادی برای آنها یافت. حیات اجتماعی و دینی مندائیان در ایران با فراز و فرود زیادی همراه بوده است، تا آنکه در دو دهه گذشته با فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر اهل کتاب بودن این اقلیت دینی، فصل جدید و مستقری از حیات اجتماعی و دینی آنها آغاز گردید. در این پژوهش سعی می‌گردد به نقش چهار عنصر (تاریخ - جغرافیا - زبان - دین) به عنوان عناصر پیوند و هم‌گرایی این اقلیت دینی با جامعه ایرانی پرداخته شود.

کلیدواژه: صابئین، مندائیان، خوزستان، ایران، اهل کتاب، هم‌گرایی ملی

مقدمه

سیره پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با اقلیت های دینی، گویای این واقعیت است که نگاه اسلام به اقلیت های دینی توأم با احترام و حفظ حقوق آنها در چهارچوب عقد قرارداد (ذمه) پایه ریزی شده است. از همان اوایل صدر اسلام میان پیامبر (ص) با سه گروه یهود، مسیحیت و مجوسیت که در اصطلاح فقه اسلامی، اهل کتاب نامیده می‌شوند، قراردادهایی منعقد شده است. بررسی آیات قرآنی مربوط به اهل کتاب و سیره نبوی نشان می‌دهد که اسلام براساس احترام خاصی که نسبت به پیامبران بزرگ الهی قائل است برای فرد یا گروههایی که مدعی پیروی از این پیامبران عظیم الشان هستند نیز به دیده احترام می‌نگرد. این احترام که در حقیقت احترام به ایدئولوژی اصیل پیامبران آنهاست، موجب آن شده که گروههای مزبور در فقه اسلامی از نظر قانونی و حقوقی از امتیازات خاصی برخوردار گردند. نمونه این برتری را ما در قانون قرارداد ذمه بخوبی مشاهده می‌کنیم. مزایایی که اهل کتاب براساس قانون قرارداد ذمه در جامعه اسلامی از آن

^۱ عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

برخوردار می‌گردند خود نشانه و دلیل دیگری بر سیاست کلی صلح جویانه اسلام بود و گواه صادق بر احترام و ارزشی است که اسلام برای انسانها و افکار و ایدئولوژی آنان قائل می‌باشد. (عمیدزنجانی، بی‌جا: ص ۷۵-۷۴) اقلیت‌های دینی طبق اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. گرچه این اصل تنها گروه‌های زردشتی، کلیمی و مسیحی را شامل می‌شود (شریعتی، روح الله، ۱۳۷۸: ۱۰۴) اما با عنایت به اینکه برپایه اصول اسلام افراد و گروه‌هایی که مدعی پیروی از انبیاء بزرگ الهی هستند نیز مورد احترام می‌باشند (عبد زنجانی، بی‌تا: ص ۷۵) بر این اساس می‌توان صابئین مندائی را که از پیروان حضرت یحیی (ع) هستند، در دایره شمول این قانون قرار داد.

مندائیان بخشی از یک گروه دینی و ساکن در قلمرو جغرافیایی ایران هستند. در حدود ۹۰٪/۱ مندائیان ایران، در استان خوزستان بسر می‌برند. مردم خوزستان با زبان محلی خود به آنها، "صبی" می‌گویند.

این اصطلاح بیشتر از نام "صابئین" که در قرآن برای این گروه دینی به کار رفته، مایه گرفته شده است. از میزان دقیق تعداد جمعیت آنها، آمار دقیقی ارائه و ثبت نشده است. حتی مقامات روحانی جامعه مندائیان ایران از آمار دقیق و پراکندگی این گروه دینی در دنیا بی‌اطلاع هستند. (مصاحبه با: سالم چحیلی اشکندای مندائیان خوزستان) اما بر پایه آمارهای غیر رسمی، تعداد مندائیان ایران ۶۲۰۰ نفر (عربستانی، ۱۳۸۳: ص ۳۸) و تعداد مندائیان عراق ۵۳۶۸ نفر، گزارش شده است. (حسینی شیرازی، ۱۳۸۴: ص ۳۱) شاید بتوان گفت که شناخت و آگاهی مردم کشور ما از این گروه دینی بسیار کم و در مواردی توأم با خطاست. متأسفانه تعداد زیادی از مردم خوزستان، حتی طیف بی‌شماری از نخبگان و تحصیل‌کردگان استان نیز، علیرغم ارتباط مداوم و روزمره با این گروه دینی، از تاریخ و اصول دینی مندائیان یا بی‌اطلاع بوده، و یا اطلاعات آنها خلاف واقع است.

در عصر حاضر (بهمن ماه ۱۳۹۳) جامعه مندائیان خوزستان، آزادانه به فعالیت‌های اجتماعی، دینی و فرهنگی خود مشغول هستند و از هر نوع تعرض یا بی‌حرمتی که در سال‌های قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی، گرفتار آن شده بودند، مصون هستند.

جای بسی امید و خوشحالی است که در دهه‌های اخیر نویسندگان توانمندی از این مرز و بوم در معرفی تاریخ و اصول اعتقادی صابئین مندائی خوزستان دست به قلم شده‌اند و به تالیف کتاب دست یازیدند. از کتاب‌های مهمی که در این رابطه به رشته تحریر درآمده و نگارنده از آنها اطلاع یافته می‌توان موارد ذیل را مثال زد.

- ۱- قوم از یاد رفته تالیف آقای برنجی = نویسنده خود از گروه مندائیان است
- ۲- تعمیدیان غریب - تالیف مهرداد عربستانی
- ۳- الصابئه المندائیه فی ایران - تالیف رؤوف سبهبانی - نشر بیروت
- ۴- صابئین راستین - تالیف عادل شیرالی

۵- اصول الصابئه المندائیه - تالیف عزیز سباهی - نشر دمشق

۶- تحقیق فی حکم الصابئه - حضرت آیت الله سید علی حسینی خامنه ای

صابئین مندائی امروزه جزئی از ساختار اجتماعی جامعه ایران در بعد انسانی و دینی تلقی می شوند و شناخت بیشتر و بهتر این گروه دینی - اجتماعی هم در کیفیت تعامل با آنها و هم در افزایش ضریب هم گرایی ملی و استمرار آن می تواند موثر مواقع شود.

در این پژوهش سعی می گردد به چهار عنصر مهم و تاثیر گذار در تحکیم این هم گرایی پرداخته شود.

این چهار عنصر عبارتند از: ۱- تاریخ ۲- جغرافیا ۳- زبان ۴- دین

۱- تاریخ

فلات ایران بستری مناسب بر ای حضور اقوام و جمعیت های مختلف در طول تاریخ بوده است. این سرزمین در سیر تاریخی اش، مهاجرت های فراوانی را به خود دیده است. برخی از این مهاجرت ها منتج به استقرار و ثبات در این سرزمین کهن گردید به گونه ای که امروزه کشور عزیز ما ایران در عین وحدت از کثرت گروه های نژادی برخوردار است. صابئین مندائی از جمله اقوامی بودند که با داشتن نژاد و دیانتی متفاوت، از روزگاران قبل از اسلام، بخشی از ترکیب جمعیتی کشور را تشکیل می دادند. گذشت زمان باعث گردید این گروه جمعیتی به عنوان عضوی از اعضای جامعه اسلامی ایران تلقی شوند. گرچه حیات اجتماعی و دینی این جمعیت انسانی در پیوند با تاریخ ایران در یک سیر پرفراز و فرود توأم با عسر و یسر طی گردید، اما این مجموعه به هم پیوسته ی فرازها و فرودها، تاریخ صابئین مندائی در ایران را رقم زده است. حضور مندائیان و پیوند آنها با تاریخ ایران دارای پیشینه ای حداقل دو هزار ساله است. اینکه می گوئیم حداقل، به این دلیل است که بنا به سنت شفاهی صابئین مندائی، اولین دوره حضور آنها در قلمرو سیاسی- اداری ایران به دوره حکومت سلسله اشکانی نسبت داده شده است (مصاحبه: چحیلی اشکنندای مندائیان خوزستان) درباره خاستگاه اولیه صابئین مندائی، اقوال و روایات متفاوتی وجود دارد. مجموع این روایات را می توان به صورت ذیل خلاصه کرد:

الف- **هند:** صابئین مندائی خوزستان، دیانت خود را "ام الادیان"^۱ (مادر ادیان) می دانند. زیرا حضرت آدم (ع) به عنوان اولین پیامبر، بدست ملکا هییل زیوا^۲ (جبرئیل رسول سلام) تعمیم شد و این اولین تعمیم مقدس بوده است (بیت مندا، دی ماه ۱۳۸۵، ص ۵) و از آنجا که تعمیم یکی از ارکان و اصول مهم دین صابئین مندائی می باشد (همان)، قدمت

۱- علت چنین اعتقادی این است که صابئین مندائی دیانت خود را از زمان حضرت آدم (ع) دانسته و ناظر ظهور ادیان پیامبران دیگر می دانند. (مصاحبه: چحیلی اشکنندای مندائیان خوزستان)

۲- نام آن در کتاب مقدس گنزارا «جبرئیل رسول» آمده است. آگنزا ربا، بی تا، ج ۱/ص ۷]

این دیانت را مقارن هبوط آدم و تعمید او دانسته اند^۱. بر پایه سنت شفاهی صابئین مندائی که شاید برگرفته از گزارش های متون تاریخ عمومی باشد، حضرت آدم در هند هبوط کرده است (بنگرید به: یعقوبی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۴ / الطبری، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۷۹ / مسعودی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۵) لذا هند منشاء و خاستگاه تعمید و حضور آدم^۲ به شمار می آید. (مصاحبه با: چحیلی اشکندای مندائیان خوزستان) در نتیجه اولین کانون حضور صابئین در سرزمین هند بوده است. (بیت مندا، همان)

ب- مصر: در متون تاریخی اشاره کم رنگی به حضور صابئین در مصر به هنگام تولد حضرت یحیی و مهاجرت او به مصر شده است. (بنگرید به: مسعودی، ۱۳۷۸: ج ۱/ص ۵۵) برخی نیز حضور صابئین را به دوره های متاخرتری نسبت می دهند. این منابع صابئین را ساکنان مصر باستان در دوران قبل از طوفان نوح معرفی کرده اند که به پرستش بت ها و هیاکل مشغول بودند و با آمدن کشیش مسیح به دیانت مسیحی گرایش پیدا کردند. پس از آن و با ورود اسلام به مصر، آنها نیز مسلمان شدند. (بنگرید به: ابن صاعد اندلسی، ۱۹۱۲: ص ۳۸).

سیوطی صابئین مصر را از پیروان حضرت ادريس یا اخنوخ که هرمس^۳ هم می نامند، ذکر کرده است. و تاکید می کند که: " صابئه مصر را عقیده بر این است که دو هرم از اهرام مصر، قبرستان شیست و دومی ادريس است". (السیوطی، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۳۱) با این وصف، امروزه صابئین مندائی ایران هیچ منشاء مصری برای خود قائل نیستند. (عربستانی، ۱۳۸۳: ص ۱۹).

ج- اورشلیم (بیت المقدس): سومین محل به عنوان خاستگاه مندائیان، اورشلیم معرفی شده است. شاید بتوان گفت برای مندائیان ایران، اورشلیم از قداست و جایگاه بالایی برخوردار است. در متون مقدس مندائیان خوزستان، اورشلیم بعد از مرگ حضرت نوح ساخته شده است. (گنزاربا، بی تا: ص ۱۸) و از این شهر سیصدو شصت پیامبر ظهور کردند. (همان، ص ۱۹) نیز اورشلیم محل حکومت سلیمان بوده و در این شهر زکریا و همسرش دارای مقام و منزلت بلندی بودند. یحیی آخرین پیامبر صابئین در اورشلیم به دنیا آمد و پس از غیبت، بار دیگر در اورشلیم ظهور کرد و در همانجا، عیسی مسیح را تعمید داده است. (بیت مندا، دی ماه، ۸۵: ص ۸) این وقایع که مرتبط با تاریخ صابئین می باشد، نشان می دهد که تعلق و پیوند صابئین مندائی به جغرافیای اورشلیم بیش از سایر مناطق یعنی هند و مصر بوده است،

□۱- در تقویم فعلی صابئین مندائی پنج مبدا و تقویم وجود دارد: ۱- یحیایی ۲- میلاد حضرت آدم ۳- هجری شمسی ۴- هجری قمری ۵- میلادی (سال ۱۳۸۳ شمسی معادل ۳۸۴ ۴۴۵ میلاد حضرت آدم است).

□۲- در متون مقدس مندائیان حضرت آدم "راس نسل اول" است. بعد از آدم چهار دوره (چهار نسل) هر کدام به مدت هزار سال زندگی خواهند کرد. در هر دوره بشر به وسیله عاملی از بین می رود که به ترتیب: شمشیر و مرگ- آتش- و طوفان و آب بوده است. دوره پنجم پس از مرگ نوع آغاز می شود و تاکنون ادامه دارد. مهمترین حوادث این دوره ساخت شهر اورشلیم است. (گنزاربابی، تا، ص ۱۷)

□۳- در اساطیر یونان قدیم هرمس در اصل فرزند زئوس رب الارباب به شمار می آید به او اختراع کتابت، موسیقی، ستاره شناسی، علم اوزان و مقادیر نسبت داده شده است. در نزد مسلمانان هرمس همان ادريس پیامبر است. به همین دلیل نیز مسلمانان علم کتابت و صنعت و طب و ستاره شناسی و سحر را به ادريس نسبت می دهند. (بنگرید به هلال، ۱۴۲۵: ص ۱۵۰)

مسئله ای که مورد تایید مندائیان خوزستان نیز قرار گرفته است. اما این نکته که از چه زمانی حیات اجتماعی و دینی صابئین مندائی با تاریخ ایران گره خورده، به این دلیل که به عنوان عنصر مهم در پیوند ملی به شمار می آید، از اهمیت خاصی برخوردار است. بنا به سنت شفاهی مندائیان خوزستان، مهاجرت آنها از اورشلیم تا استقرار در جلگه بین النهرین و خوزستان در یک بستر زمانی ۱۰۰ تا ۱۵۰ ساله بوده است. این مهاجرت به رهبری و راهنمایی اردون ملکا تحقق یافت. (مصاحبه با: چحیلی اشکندای مندائیان خوزستان). بنا به این سنت شفاهی، صابئین مندائی در عهد اشکانیان و پادشاهی اردوان سوم (۱۶-۱۴ م) به طور کامل در قلمرو اشکانیان استقرار یافتند و از آن پس، تاریخ آنها با تاریخ ایران گره خورد (همان). اما متون کلاسیک، مهاجرت صابئین مندائی و پیوند آنها به تاریخ ایران را کمی فراتر از این دوره گزارش داده اند. بیرونی حضور تاریخی مندائیان در بین النهرین را که بعد ها در دوره هخامنشیان، جزء قلمرو ایران گردید، به این دوره حاکمت بخت النصر پادشاه بابل می رساند. چه بعد از فتح اورشلیم بوسیله بخت النصر، مندائی ها به صورت اسیر به بابل انتقال یافته در آن سرزمین باقی ماندند و از بازگشت به اورشلیم سرباز زدند سپس بصورت پراکنده در بین النهرین به حیات خود ادامه دادند. (البیرونی، بی تا: ص ۳۱۸). مهمترین مرکز تجمع آنها در منطقه بین النهرین (بعنوان جزیی از قلمرو ایران) منطقه بطائح در اطراف بصره فعلی بوده است. بنا به اظهار اشکندا چحیلی، مندائیان در بین النهرین به دلیل تسامح مذهبی از سوی اشکانیان، حیات اجتماعی و دین آرامی را سپری کردند. (مصاحبه با: چحیلی اشکندای مندائیان) مندائیان تا دوران فتوحات اسلامی در این منطقه مستقر بودند. سنت تاریخی شفاهی مندائیان در این بخش با گزارش های متون تاریخی اسلامی همسویی دارد. (بنگرید به: البیرونی، بی تا: ص ۳۱۸ / حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ص ۳۱) اینکه این فضای آرام در دوران ساسانیان استمرار یافته از دو جنبه قابل تحلیل است. اول آنکه ماهیت دینی صابئین مندائی بیشتر جنبه درونی و عرفانی دارد تا تبلیغی و تبشیری، شاید این مسئله که خطری برای نظام ساسانی در بر نداشته است، استمرار این وضع را ممکن ساخته باشد. روی دیگر سکه این است که پیوستن فاتک پدر مانی به این گروه (گریستن سن، ۱۳۷۸: ص ۱۳۴) و نیز تعقیب مسیحیان در دوره های خاصی از حکومت ساسانی بدون تمایز قائل شدن میان مسیحیان و مندائیان به دلیل اشتراک هر دو گروه در مسئله ی «تعمید» که باعث یکی پنداشتن آنها شده است، تا اندازه ای می تواند در به هم ریختگی این آرامش تاثیر داشته باشد. لذا این دو مسئله در حد فرضیه باقی می ماند و مجال واکاوی بیشتر در این بخش به دلیل ماهیت این پژوهش میسر نیست.

حضور تاریخی مندائیان در تاریخ ایران بعد از اسلام مسیر پرفراز و فرودی را خصوصاً در خوزستان سپری کرد. در این دوره مندائیان مهاجرت های زیادی را تجربه کردند. شاید بتوان گفت سخت ترین حیات اجتماعی دینی مندائیان در شهر شوشتر بوده است. در شوشتر محلی با نام «بند صبی گش» وجود دارد (عربستانی، ۱۳۸۳: ص ۳۴) این محل یادآور حوادث تلخ و ناگوار برای مندائیان بوده است. شاید این حوادث معلول نگاه دینی متفاوت به مندائیان بوده باشد. انعکاس این نگرش را می توان در متون تخصصی مربوط به تاریخ محلی شوشتر را نیز مشاهده نمود. علامه سید عبدالله جزایری می نویسد: "... و در آن محله [بند میزان] فرقه ای از اهل کفر ساکنند که ایشان را صابئه گویند و دین

ایشان ما بین یهودیت و نصرانیت است و قبایح و مناکیر ایشان بسیار است و آنچه که در کتب معتبره از مذهب صابئه بنظر رسیده با آنچه که در این طایفه مخدوله مشاهده می شود . . . مباحث و مغایرت تمام دارد . . . " (جزایری، ۱۳۸۴، ص ۳۳) اما در برخی موارد مشاهده می شود که صابئین مورد تقرب حکام و فرمانروایان قرار می گرفتند. به عنوان نمونه می توان با جایگاه ابراهیم بن هلال صابی کاتب دیوان انشاء عزالدوله بختیار بن معزالدوله بویهی اشاره کرد. وی دعوت عزالدوله برای مسلمان شدن را نپذیرفت، اما در عین حال در ماه رمضان به همراه مسلمانان روزه می گرفت و کل قران را حفظ کرده بود و در نامه نگاری های خود از آیات قران بهره می برد. وقتی در سال ۳۸۰ ه . وفات یافت شریف رضی در قصیده ای او را مدح کرد. (وجدی، ۱۹۷۱: ج ۵ ص ۴۳۲) و دیگر اینکه در دوره حاکمیت محلی مشعشیان در خوزستان، هنگام پیروزی مولی مبارک مشعشعی در دفع حملات علی پاشا بر بصره، یکی از بزرگان صابئین بنام "طوقان صابی" در قصیده ای که در مجلس مولی مبارک قرائت کرد، وی را مدح نمود و مولی مبارک با شنیدن ابیات زیبای این شاعر به احترام به پا خاست و حضار نیز به همراه مولی مبارک بپا خاستند. (بنگرید به : مشعشعی حویزی، بی تا: ص ۳۱) در دوره حاکمیت خاندان پهلوی، صابئین مندائی در خوزستان در گمنامی به سر می بردند (عربستانی، ۱۳۸۳: ص ۳۴) اما با پیروزی انقلاب اسلامی خصوصاً پس از فتوای حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله) در حکم به اهل کتاب بودن صابئین، فصل جدیدی از حیات اجتماعی و دینی این گروه دینی در ایران گشوده شد (الخامنئی - اجوبه، بی تا: صص ۶۷-۷۹) از آن پس صابئین مندائی خوزستان از شرایط اجتماعی، فرهنگی و اداری بسیار مطلوبی بهره مند شدند که می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱) شورای حل اختلاف صابئین مندائی با مجوز دولتی شماره ۴۴۹ (مصاحبه با: سالم چهیلی اشکندای مندائیان)

۲) دفتر ازدواج با مجوز رسمی شماره ۱۱۲ (همان)

۳) انتشار یک نشریه ماهنامه ای با نام « بیت مندای » با مجوز رسمی از وزارت ارشاد

۴) تاسیس کانون بانوان (بیت مندای، تیرماه ۱۳۸۸، ص ۱۰)

۵) تشکیل انجمنی بنام « انجمن صابئین مندائی » که اعضای آن ۹ نفر و برای مدت ۲ سال انتخاب می شوند (بیت

مندای، دی ماه ۱۳۸۵، ص ۱۲)

در حال حاضر صابئین مندائی به عنوان گروه دینی شناخته شده در کشور عزیز ما ایران، با آرامش به حیات دینی و اجتماعی خود ادامه می دهند و مردم خوزستان ، آنها را به عنوان یک گروه با سابقه تاریخی قدیمی، میان خود پذیرفته اند و مناسبات مبتنی بر احترام متقابل میان دو گروه جاری است.

نتیجه اینکه پیشینه حضور صابئین مندائی در تاریخ ایران یک دوره ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال می باشد. این دوره تاریخی طولانی، به طور یقین معیار بسیار مهمی در پیوند دهی و هم‌گرایی این گروه دینی با جامعه ایرانی به شمار می آید.

جغرافیا

از دیگر مولفه‌هایی که در تحکیم پیوند صابئین مندائی به عنوان جزئی از اجزاء جامعه ملی ایران، نقش دارد، عامل " جغرافیا " است. صابئین بعد از مهاجرت از خاستگاه اولیه خود یعنی اورشلیم، وارد فضای جغرافیایی ایران شدند. همانگونه که ذکر آن آمد، بین‌النهرین جزئی از قلمرو ایران و تحت سیادت سیاسی دولت هخامنش و سپس اشکانی و ساسانی بوده است. به دلیل پیوستگی پدیده‌های طبیعی، خصوصاً پیوند منطقه هویزه با مناطق باطلاقی جنوب عراق از طریق هورالهور، امکان جابجایی جمعیت صابئین مندائی و ورود آنها به قلمرو فعلی ایران میسر گردید. بنظر می آید، اولین کانونی که در قلمرو ایران وارد آن شدند، شهر هویزه بوده است (مصاحبه با: سالم چحیلی اشکندای مندائیان) از آن پس حیات دینی و اجتماعی صابئین مندائی با جغرافیای ایران گره خورد و رودخانه‌های معروف خوزستان یعنی کرخه و کارون از مراکز مهم تعمیر آنها در آمدند. امروزه خوزستان مهمترین مرکز استقرار صابئین مندائی است. و شهر اهواز جمعیت زیادی از آنها را در خود جای داده است. در واقع اهواز مرکز روحی آنها به شمار می آید، زیرا هم بالاترین مقام روحانی صابئین و هم "مندی" (معبد صابئین مندائی) که در قدیم به آن "مشکنا" می گفتند (سباهی، ۱۴۲۸: ۶۵) هر دو شهر اهواز جای دارند. سایر جمعیت صابئین مندائی خوزستان در شهرهایی مانند، خرمشهر، شادگان، ماه شهر، سربندر، حمیدیه، سوسنگرد، هویزه و بستان مستقر هستند. عده کمی نیز در خارج از استان و در شهرهای شیراز و کرج زندگی می کنند (مصاحبه با: سالم چحیلی، اشکندای مندائیان خوزستان)

از میزان جمعیت صابئین مندائی در جهان اطلاعی در دست نیست. اما براساس آماري که از سوی کورت رودلف در کتاب مندائیسیم ارائه شده، تعداد کل صابئین مندائی در جهان ۱۵۰۰۰ نفر عنوان گردید (نقل از: عربستانی، ۱۳۸۳: ص ۳۸) جمعیت صابئین مندائی ایران در سال ۱۹۷۸، در حدود ۶۲۰۰ نفر گزارش شده است (همان) حال آنکه تعداد صابئین مندائی در عراق ۵۳۶۸ نفر می باشد (شیرازی، ۱۳۸۴: ص ۳۱) کمی جمعیت پیروان دیانت مندائی شاید به ماهیت کلامی و عقیدتی این دین مربوط باشد به این معنی که در آیین مندائی جذب وجود ندارد و کسی نمی تواند وارد این دین شود اما خروج از دین امکان پذیر است (مصاحبه با: سالم چحیلی اشکندای مندائیان خوزستان) در گزارا کتاب مقدس مندائیان آمده است که " با زنان غیر مندائی ازدواج نکنید" (گنذاربا، ۲۰۰۱: ص ۶۴) به همین دلیل در دیانت مندائی یک مندائی می بایست از پدر و مادر مندائی متولد شده باشد" (مصاحبه با: سالم چحیلی)

صابئین مندائی خوزستان به کارهایی نظیر: زرگری، طلافروشی، تراشکاری و ریخته‌گری مشغول هستند و تعدادی نیز جذب شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و غیره شده‌اند. (مصاحبه با: سالم چحیلی)

نتیجه اینکه امروزه خوزستان و رودخانه های کارون و کرخه چنان با حیات اجتماعی و دینی صابئین مندائی گره خورده است که شاید بتوان گفت اگر اهمیتش از اورشلیم بیشتر نباشد، یقیناً کمتر نیست، این عامل بیشتر مدیون عنصر «جغرافیا» به عنوان دومین عنصر همبستگی ملی این گروه دینی با جامعه ایرانی می باشد.

زبان

در اصل، لهجه و خط مندائی یکی از شاخه های زبان آرامی است. در قرن سوم و دوم قبل از میلاد مسیح، زبان و خط آرامی به چند دسته تقسیم شد و از آن لهجه و خط: (مندائی، عبری، پالمیری، سریانی، نبطی و عربی) حاصل گردید (بنگرید به: آلبرتین، ۱۳۸۱: ص ۱۱۵ / ژژژ: ۱۳۸۲: ص ۴۸) بنظر می آید که زبان مندائی به دلیل مهاجرت مندائیان از اورشلیم و استقرار در منطقه بین النهرین، تحت تاثیر زبان های منطقه خصوصاً عربی و پهلوی قرار گرفت. در عصر حاضر در اهواز تعداد صابئینی که به زبان مندائی تکلم می کنند، بسیار اندک است و روز به روز نیز از تعداد آنها کاسته می شود (مصاحبه با سالم چحیلی، اشکندای مندائیان) کاربرد زبان مندائی امروزه تنها به قرائت متون دینی در مراسم دینی محدود گردید به همین دلیل یکی از فعالیت های انجمن صابئین خوزستان، تشکیل کلاس های آموزشی زبان و ادبیات مندائی است تا از این طریق مانع خاموشی و نابودی این زبان تاریخی شوند. نیز در برخی از شماره های ماهنامه بیت مندا، صفحه ای به آموزش زبان و ادبیات مندائی اختصاص داده شده است (بیت مندا، اردیبهشت ۱۳۹۰: ص ۶). صابئین مندائی خوزستان امروزه در محاورات روزانه، نظام اداری، مکاتبات، و فعالیت های فرهنگی و نویسندگی، از زبان و خط فارسی استفاده می کنند. ماهنامه بیت مندا، مجله رسمی صابئین مندائی که بیان رویدادهای داخلی جامعه صابئین می پردازد، به زبان فارسی منتشر می شود. در مجموع می توان اذعان کرد که « زبان و ادبیات و خط فارسی» زبان و خط مورد استفاده تمامی اعضای و جمعیت صابئین ساکن در قلمرو جغرافیایی ایران شمرده می شود. باید توجه داشت که تسلط مندائیان در بکارگیری خط و زبان فارسی در یک بستر زمانی طولانی تحقق یافت و امروزه بکارگیری آن نشان می دهد که جامعه مندائیان جزئی لاینفک از جامعه ایرانی است.

دین

دیانت «صابئین» یکی از ادیان الهی است که نام آن در سه آیه از سوره های قرآن وارد شده است (آیات: ۶۲ سوره بقره / ۶۹ سوره مائده / ۱۷ سوره حج) مهترین مسئله ی مربوط به حیات اجتماعی و دینی پیروان این دین، مسئله ی تطبیق اصطلاح قرآنی صابئین بر این قوم است. و اینکه صابئین مورد اشاره قرآن، کدامیک از اقوام باقی مانده امروز ی است، میان فقها و مفسران و مورخین اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظر بیشتر متأثر از دو عامل اساسی است:

(۱) عدم شناخت ناشی از عدم تحقیق و تتبع عمیق از تاریخ و عقاید صابئین از سوی مفسران و تاریخنگاران و بعضاً فقهای دین است. شاید علت این امر به ماهیت دین صابئین مربوط باشد زیرا علمای این دین قائل به نشر عقاید خود از طریق تبلیغ نمی باشند و در بعد اجتماعی هیچگونه ارتباطی با افراد سایر دیانت های مختلف برقرار نمی کند. لذا

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ماهیت گنوستی و درون‌گرایی دین صابئین از عوامل دیگر عدم انتشار و نیز آگاهی کم اقشار مختلف علمی از ساخت اجتماعی و دینی این گروه دینی، به شمار می‌آید.

۲) برداشت نادرست از معنای واژه «صابئین» که در ادبیات عربی و مندائی حامل دو معنای متفاوت است.

درباره مورد اول باید اذعان کرد فقهای مسلمان در تطبیق اهل کتاب بودن «صابئین» بر یک نظر واحد اتفاق نظر ندارند. ابن جوزی دیدگاه فقها درباره صابئین را بصورت ذیل خلاصه کرده است:

۱) صابئین بین نصاری و مجوس اند.

۲) صابئین بین یهود و نصاری اند.

۳) صابئین گروهی هستند بین یهود و مجوس

۴) صابئین گروهی از نصاری هستند.

۵- صابئین گروهی مشرک هستند که کتاب ندارند.

۶- صابئین مانند مجوس هستند.

۷- صابئین گروهی هستند از اهل کتاب که زبور را تلاوت می‌کنند.

۸- صابئین گروهی هستند که به سوی قبله نماز می‌گذارند، ملائکه را عبادت می‌کنند و زبور را می‌خوانند.

۹- صابئین گروهی از اهل کتاب هستند.

۱۰- صابئین گروهی هستند که لا اله الا الله می‌گفتند و هیچگونه قول و کتاب و پیامبر ندارند. (بنگرید به: ابن

الجوزی، ۱۴۲۶: ص ۶۸)

دقت در اقوال فوق نشان میدهد که نظراتی وجود دارد که صابئین را جزء اهل کتاب معرفی کرده اند، و عده ای برخلاف آنها نظر داده اند، لذا اجماع کلی قابل دریافت نیست.

چند نکته مهم وجود دارد که از توجه به آنها، می‌توان پذیرفت که «صابئین مندائی خوزستان» از بقایای همان گروه صابئین هستند که ذکرشان به عنوان «اهل کتاب» آمده است:

۱) این گروه خود را از بیرون حضرت یحیی از انبیاء الهی می دانند، در اندیشه های کلامی صابئین مندائی خوزستان، حضرت یحیی آخرین سلسله انبیاء مندائی است و مندائیان بدست او تعمید شده اند (مصاحبه با سالم چحیلی اشکندای مندائیان خوزستان)

۲) این گروه دینی دو کتاب مقدس دارند، نخست کتاب «گنزاربا» (گنج بزرگ) یا صحف آدم که بر حضرت آدم (ع) نازل شده است و کتاب دیگر « دراشه اد یهیا» (مواعظ و تعالیم حضرت یحیی بن زکریا)، این دو کتاب مقدس با خط مندائی نگاشته شده اند. (بنگرید به : گنزاربا، بی تا / دراشه اد یهیا، ۲۰۰۱)

۳- صابئین نماز مخصوص به خود دارند و در ۳۶ روز از سال در ماه و فصل بخصوصی روزه می گیرند (مصاحبه با سالم چحیلی اشکندای مندائیان خوزستان)

۴- بررسی محتوای کتب مقدس مندائیان نشان میدهد که این گروه دینی قائل به خدای واحد هستند یعنی در اصل، توحید را می پذیرند.

۵- صابئین مندای خوزستان به " معاد " معتقد هستند.

۶- صابئین مندای خوزستان به " نبوت " معتقد هستند.

مسائل کلامی فوق (توحید - معاد- نبوت) را بر پایه سنت شفاهی و متون دینی صابئین مندای خوزستان می توان بصورت ذیل خلاصه کرد:

"خداوند خالق هستی و صاحب دو جهان دنیا و آخرت است. هر یک از تسبیحات (سوره) کتاب گنزاربا با نام خداوند شروع می شود (بنگرید به : گنزاربا، بی تا) بنا به اظهار روحانیون مندائی، فرشتگان به امر خداوند، خلقت را گسترش می دهند به همین دلیل شاید در هیچ دیانتی به اندازه مندائیان به فرشتگان توجه نشده است. (مصاحبه با : سالم چحیلی اشکندری مندائیان خوزستان) صابئین به معاد اعتقاد راسخ دارند و این دنیا را فانی می دانند. در دیانت مندائی آمده که "هرکس متولد می شود، می میرد" مرگ به معنای نابودی نیست، بلکه انتقال از محلی به محل بهتر است. (بیت مندا، یکم تیرماه ۱۳۸۲: ص ۴-۳) روان فرد پاک و منزّه، بعد از مرگ به نور می پیوندد و روان فرد گناهکار بعد از مرگ رهسپار عالم ظلمت و تاریکی می گردد. (دخرانی و لوفانی، بی تا: ص ۴) این مسئله نشان می دهد که مندائیان قائل به معاد روحانی هستند نه جسمانی. در کتاب مقدس گنزاربا آمده است: تنها جسم است که می پوسد و روان در دنیای دیگر متولد شده تا مزد پروردگار و ملائکه زندگی پاک و جاودانی را شروع کند. (بیت مندا، یکم تیرماه ۱۳۸۲: ص ۴) مندائیان همه پیامبران الهی و امت آنها را محترم می شمارند، اما تنها نام چند پیامبر را به

عنوان پیامبر خود، پذیرفتند که به ترتیب (حضرت آدم (ع) - حضرت شیث (ع) - حضرت نوح (ع) - حضرت سام (ع) - حضرت یحیی (ع) (مصاحبه با : سالم چحیلی اشکندای مندائیان خوزستان)

مسئله دوم به معنای واژه "صابئین" در چارچوب ادبیات عرب مربوط می شود. و شاید بتوان گفت که بیشتر فقها، مفسران و مورخان کلمه صابئین را با توجه به معنای عربی آن بکار گرفته اند و بر این اساس، حکم به غیر اهل کتاب بودن صابئین داده اند. زیرا معنای این واژه در زبان عربی «خارج شدن از دینی و وارد شدن به دینی دیگر» و یا «منحرف شدن» آمده است. (بنگرید به : شهرستانی، ۱۴۲۲: ص ۲۰۹)

حال آنکه مندائیان خوزستان، عربی بودن واژه «صابئین» و تطبیق آنرا با این معنا بر خود، رد می کنند و معتقدند واژه «صابئین» مایه گرفته از ادبیات آرامی بوده و از واژه "صبو" [صوا] [= یا مصبتا] به معنای "تعمید در آب" می باشد. لذا با در نظر گرفتن این مسئله که : "واژه صابئین که در قرآن آمده از اصل آرامی به معنای (تعمید) است، می توان پذیرفت که تطبیق این گروه دینی با اهل کتاب بودن معقول تر به نظر می آید. خاصه آنکه تعمید در آب از ارکان مهم دینی صابئین مندائی خوزستان تلقی می شود و بر آن اصطلاح "طماشه" بکار می برند. (بیت مندا، ۲۸ مهر ۱۳۸۲: ص ۲) امروزه صابئین مندائی خوزستان نه تنها به مناسبت های مختلف دینی، تعمید انجام می دهند، بلکه ظروف و برخی از خوراکی ها را نیز در رودخانه تعمید می کنند (همان: ص ۲) مسئله ای که این ندیم نیز در معرفی صابئین مندایی ساکن در مناطق جنوبی بین النهرین به آن اشاره دارد. این ندیم می نویسد: ... آنها [مغتسله یا صابئین] ظروف و خوراکی را نیز تعمید می کنند " (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ص ۶۰۶) این امر می تواند تایید دیگری باشد بر اهل کتاب بودن صابئین مندائی خوزستان. مهمتر از همه، فتوای رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله) است که در آن بر اهل کتاب بودن صابئین مندائی خوزستان، تاکید فرمودند. (الخامنئی، بی تا، اجوبه الاستفتاءات: ص ۶۹-۶۷) در کتاب دیگر از معظم له با عنوان "تحقیق فی حکم الصابئه" که یکی از حلقه های درس خارج بوده، ضمن بررسی و نقد روایات و دیدگاه های فقهای متقدم، حکم به اهل کتاب بودن صابئین داده اند. (بنگرید به : الخامنئی، بی تا) نتیجه اینکه دیانت صابئین مندائیان خوزستان جزء چهار گروهی است که نام آنها در قرآن به عنوان اهل کتاب آمده است و با عنایت به اینکه نظام سیاسی کشور، "جمهوری اسلامی" است. و نظام اسلامی بر پایه اصول اسلامی شکل گرفته، لذا این نظام خود را موظف به محافظت و حمایت از اقلیت های دینی ذکر شده در قرآن، در حوزه قلمرو خود می داند. این قاعده شاید مهمترین و محکم ترین قاعده پیوند و هم گرایی ملی تلقی شود.

فتوای رهبر معظم انقلاب، تاثیر شگرفی بر حیات اجتماعی و دین مندائیان خوزستان بر جای نهاد و از نگرش منفی مردم خوزستان نسبت به این اقلیت دینی به میزان قابل توجهی کاست. نیز این فتوا در میان جامعه مندائیان با استقبال زاید الوصفی مواجه گردید.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

روحانیون مندائیان خوزستان ضمن اعلام تشکر و قدردانی خود از رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله) حضور موثری در عرصه های اجتماعی و اقتصادی از خود به نمایش گذاشتند و پیوند آنها با مردم و جامعه خوزستانی، عمیق تر از گذشته شد. (مصاحبه با سالم چحیلی، اشکندای مدائیان خوزستان) نیز برخورداری صابئین از امکانات و امتیازات دولتی مانند: تاسیس انجمن صابئین، انتشار ماهنامه، انجمن زنان، توسعه مندی، و ... از پیامدهای فتوای رهبری بوده است در همین راستا بعد از وفات شیخ جبار طاووسی - چحیلی - در دی ماه ۱۳۹۳ از سوی مقامات مختلف کشوری از جمله، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، دستیار ویژه ریاست جمهوری در امور اقوام و اقلیت ها، استانداری خوزستان، مدیر کل ارشاد اسلامی خوزستان، تنی چند از نمایندگان خوزستان در مجلس شورای اسلامی، پیامهای تسلیت ابلاغ گردید.

نتیجه

جامعه ملی ایران تلفیقی از نژادها و مذاهب و دیانت‌های متعدد و متنوع است. با این حال این جامعه در عین کثرت قومی - دینی در قلمرو جغرافیایی ایران اسلامی ملت واحدی را تشکیل می‌دهند. تلاش در حفظ این وحدت و استحکام آن و جلوگیری از بروز زمینه‌های گریز از مرکز به اقتصاد و امنیت پایدار منتج خواهد شد. جامعه صابئین مندائی ایران که مرکز روحی و جمعیتی آنها استان خوزستان و شهر اهواز می‌باشد، یکی از اجزاء تشکیل دهنده جامعه ملی ایران است. پیشینه تاریخی بسیار عمیق این گروه دینی - اجتماعی در جغرافیای سیاسی ایران باعث گردید تا زبان، آداب و رسوم آنها با فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی پیوند ناگسستنی پیدا کند. در زمینه دینی نیز، نظام جمهوری اسلامی ایران، ضمن پذیرش این گروه به عنوان " اهل کتاب " آنها را تحت حمایت خود قرار داده است. در نتیجه، این عناصر چهارگانه یعنی تاریخ (پیشینه حضور مندائیان در تاریخ ایران)، جغرافیا (پیوستن مندائیان به جغرافیای سیاسی - اداری ایران)، زبان (استفاده از زبان رسمی کشور یعنی فارسی در ابعاد مختلف اجتماعی - فکری و فرهنگی) و دین (پذیرش آنها به عنوان اهل کتاب توسط مقام معظم رهبری) باعث گردید تا مندائیان، علیرغم تمایز نژادی، دینی و خاستگاهی، به عنوان جزئی از هسته‌های تشکیل دهنده جامعه ایرانی تبدیل شوند و صحنه‌ای از یک پیوستگی ملی را خلق نمایند. شناخت علمی تر این گروه دینی در تحقق سیاست هم‌گرایی و پیشرفت مؤثر است. امروزه در خوزستان ما شاهد جزئی از یک کل هستیم که با احساس ایرانی بودن در عرصه‌های اجتماعی، اداری و اقتصادی کشور به ایفای نقش می‌پردازد. حفظ این روند و استمرار آن نویدبخش حرکت جامعه به سوی پیشرفت، شکوفایی و امید به آینده روشن و بهتر است.

منابع

- ۱- آلبرتین، گاور (۱۳۸۱)، تاریخ خط، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز
- ۲- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۶)، تلبیس ابلیس، تحقیق السید الجمیل، بیروت، دارالکتاب العربی
- ۳- ابن الندیم (۱۳۴۳)، الفهرست، ترجمه م. رضا تجدد، بی‌جا، انتشارات ابن سینا
- ۴- ابن صاعد اندلسی، صاعد بن احمد (۱۹۱۲)، طبقات الامم، تحقیق الاب لويس شیخوالیسوعی، بیروت، الطبعة الكاثولیکیه للآباء الیسوعیین
- ۵- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶)، سنی ملوک الارض و الانبیاء، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ۶- البیرونی، ابی‌الریحان (بی‌تا)، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، بیروت، دارالفکر
- ۷- جزایری، سید عبدالله (۱۳۸۴)، تذکره شوشتر، تهران، انتشارات معتبر
- ۸- الخامنئی، السیدعلی‌الحسینی (بی‌تا)، تحقیق فی حکم الصابئه، بی‌جا، بی‌نا
- ۹- دخرانی و لوفانی - مراسم طعام آمرزش (بی‌تا)، اهواز، انجمن صابئین مندائی

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- ۱۰- درآشہ ادیہیا (۲۰۰۱)، ترجمہ از آرامی بہ عربی امین فحیل خطاب، بغداد، بی نا
 - ۱۱- ژرژ، ژان (۱۳۸۲)، تاریخ مصور الفبا، ترجمہ اکبر تبریزی، تہران، نشر مرکز
 - ۱۲- سباہی، عزیز (۱۹۹۶)، اصول الصابئہ المندائیین، بیروت، دارالمدی للثقافہ و النشر
 - ۱۳- سبہانی، رؤوف (۱۴۲۷)، الصابئہ المندائیہ فی ایران، بیروت، دارالحجہ البیضاء
 - ۱۴- السیوطی، جلال الدین (۱۴۲۵)، حسن المحاضرہ فی تاریخ مصر و القاہرہ، تحقیق ابوالفضل ابراہیم، بیروت، المكتبة العصریہ
 - ۱۵- شریعتی، روح اللہ (۱۳۸۷)، اقلیت های دینی، تہران، کانون اندیشہ جوان
 - ۱۶- الشہرستانی، محدبن عبدالکریم (۱۴۲۲)، الملل و النحل، تقدیم صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر
 - ۱۷- شیرازی، سیدمہدی (۱۳۸۴)، عقیدہ و شریعت صابئین، ترجمہ کاظم پورکاظم، سوسنگرد، انتشارات سرزمین خوز
 - ۱۸- الطبری، محمدبن جریر (۱۴۲۲)، بیروت، دارالکتب العلمیہ
 - ۱۹- عربستانی، مہرداد (بی تا)، تعمیدیان غریب، تہران، نشر افکار
 - ۲۰- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمہ رشید یاسمی، تہران، صدای معاصر
 - ۲۱- گنزا ربا (بی تا)، ترجمہ ہیئت مترجمین گنزا ربا، اہواز، انجمن صابئین مندائی
 - ۲۲- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۸)، مروج الذهب، ترجمہ ابوالقاسم پایندہ، تہران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 - ۲۳- مشعشی حویزی، سیدعلی (بی تا)، الرحلہ المکیہ، کتابخانہ شہید مطہری- شماره ۱۵۱۳
 - ۲۴- وجدی، محمدفرید (۱۹۷۱)، دائرہ المعارف القرن الرابع عشر، بیروت دارالمعرفہ للطباعہ و النشر
 - ۲۵- ہلال، ہثیم (۱۴۲۵)، اساطیرالعالم، بیروت، دارالمعرفہ
 - ۲۶- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۷۴)، تاریخ یعقوبی، ترجمہ محمد ابراہیم آیتی، تہران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ب- نشریات

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

- ۲- ماهنامه بیت مندا، (مهرماه ۱۳۸۲) شماره ۲۷/سال سوم
- ۳- ماهنامه بیت مندا (دی ماه ۱۳۸۵) شماره ۶۶/سال هفتم
- ۴- ماهنامه بیت مندا (مهرماه ۱۳۸۹) شماره ۱۱۱/سال دهم
- ۵- ماهنامه بیت مندا (اردیبهشت ۱۳۹۰) شماره ۱۱۷/سال یازدهم